

بیانه جوانان هويت طلب زنگان

همشهریان عزیز!

همانطور که مطلعید روزهای پایانی اردیبهشت ماه و اوایل خرداد یادآور واقعه‌ای بس مهم در تاریخ ملت ماست.

دو سال پیش در چنین روزهایی سراسر آذربایجان یکسره خشم و عصیان بر علیه دشمنان هويت و موجودیت مان بود و این حماسه چنان ردپایی از خود به جا گذاشت که به واقع نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت تورک بر علیه ستم و تبعیض سازمان یافته و رسمی در ایران علیه تورکان سراسرکشور و به ویژه آذربایجان به شمار می‌رود.

باری! در پی چاپ کاریکاتور اهانت آمیزی در روزنامه ایران به تاریخ ۱۳۸۵/۲/۲۲ که زبان و هويت تمامی تورکان جهان به ویژه آذربایجان را مورد اهانتی وقیح قرار داد، تمامی آذربایجان علی الخصوص زنگان مملو از خشم و اعتراض بر علیه این اهانت شوم شد و همگامی و همصدایی زنگان با تبریز قهرمان و دیگر شهرهای بزرگ و کوچک این حقیقت را با قاطعیت تمام به اثبات رساند که علی رغم شوم‌اندیشی‌های تورک‌ستیزان، زنگان حصه جدایی‌ناپذیر آذربایجان بوده و مردم غیرتمند آن مدافع سرسخت هويت و حقوق خویش هستند.

همشهریان عزیز!

در پی اعتراض و عصیان آذربایجان که منجر به زخمی و شهید شدن ده‌ها تن شد، جسد بسیاری از شهدای جوان ملت آذربایجان مفقود گردید و بیمارستان‌ها از پذیرش مجروحین سر باز می‌زدند و این ملت آذربایجان بود که در خانه‌ها به مانند تمام حوادث و رویدادهای قبلی خود زخم خود را درمان می‌کردند، دستگیرشدگان این قیام‌های حق طلبانه در معرض شکنجه‌های به شدت خشونت‌آمیز قرار گرفتند، نیروهای امنیتی بارها جهت بازداشت فعالین و معترضین، به خانه و کاشانه‌های آنان حمله ور شدند. این اعتراض‌ها تنها به دلیل کاریکاتور توهین آمیز نبود بلکه پشت این عصیان ملی حقیقت و فلسفه‌ای نهفته است و آن حقیقت تلخ چیزی نیست جز ستم و تبعیض غیرانسانی که قریب صد سال است در حق زبان و هويت و حقوق اجتماعی و اقتصادی ما به ناحق روا داشته‌اند و راهپیمایی‌ها و تظاهرات آرام و پی‌درپی شهرهای مختلف آذربایجان و به ویژه زنگان با قاطعیت تمام این حقیقت را به اثبات رساند که ملت ما با یک عزم و اراده ملی درصدد دفاع از موجودیت خویش و بازپس‌گیری حقوق از دست رفته خویش است.

در حال حاضر علی‌رغم اینکه دو سال از آن حوادث می‌گذرد این قبیل فشارها و سرکوب‌ها ادامه دارد و ملت تورک آذربایجان همچنان در حال تحمل خسارت‌های مادی و معنوی گسترده و عمیقی هستند که در طی هشتاد سال حکومت شوونیستی آریایی توسط عمال تورک ستیز حاکمیت، علیه ملت آذربایجان پایه‌گذاری شد و در حماسه خرداد بر شدت و حدت آن افزوده شد.

به این ترتیب ضمن تاکید بر حقایق مسلم پیش گفته، ما تورکان و هويت طلبان وظیفه خود می‌دانیم تا مطالبات ملت خود را با صدای بلند ابراز داریم:

۱- ضروری است تا حکومت ایران، در پی اهانت شرم‌آوری که علیه شرف ملت تورک و حیثیت ملی آن به عمل آورده، در بالاترین سطح و بصورت رسمی عذرخواهی کند.

۲- عاملان و جانیان مسئول در حوادث بدون اینکه مقام و رتبه آنان مورد مصلحت اندیشی

قرار گیرد، شناسایی و مجازات شوند.

- ۳- خسارت‌های مادی و معنوی وارد بر تمام ملت آذربایجان علی‌الخصوص خانواده‌های شهدا، مجروحین، حادثه‌دیدگان و دستگیرشدگان به نحو مقتضی جبران گردد.
- ۴- از ارائه تاریخ منحرف و نژادپرستانه با هزینه ملت آذربایجان و بر علیه او حاوی مفاد توهین‌آمیز و تحقیرکننده در تمام کتاب‌های درسی، رادیو و تلویزیون و نشریات انتشار یافته و در حال انتشار جلوگیری شود و به تمسخر ملت آذربایجان در رسانه‌های جمعی پایان داده شود.
- ۵- برای ارج نهادن به حقوق بشر و با توجه به اینکه اکثریت مطلق جمعیت ایران را تورک‌ها تشکیل می‌دهند زبان تورکی آذربایجانی، در سراسر ایران رسمی اعلام گردد.
- ۶- به سیاست‌های خرنده‌ای که در زمینه تحدید و تهدید اراضی تاریخی آذربایجان، حذف نام آذربایجان و نیز اسامی تورکی از روی نقشه (حذف نام آذربایجان از زنگان، اردبیل، همدان، قزوین، اراک، آستارا، بیجار و تغییر نام شهرهای قیدار به خدابنده، خیاو به مشکین، مغان به پارس‌آباد و ...) در جریان است خاتمه داده شود.
- ۷- سیاست‌های جاری در راستای ویران‌کردن آثار فرهنگی و تاریخی آذربایجان و خصوصا زنگان همانند تخریب گنبد سلطانی، متوقف گردد.
- ۸- بی‌توجهی و اغماض هدفدار در قبال محیط زیست آذربایجان علی‌الخصوص دریاچه اورمیه صدمات جبران‌ناپذیری به اکولوژی آذربایجان و منطقه خاورمیانه وارد خواهد کرد. از این‌رو خواستار توقف تمام سیاست‌های دوگانه و همراه با تبعیض نسبت به زیست محیط آذربایجان هستیم.
- ۹- به حمایت از اشغالگران ارمنی در قره‌باغ آذربایجان و ارسال کمک‌های همه‌جانبه خصوصا سلاح و انرژی به رژیم متجاوز ارمنستان توسط جمهوری اسلامی ایران خاتمه داده شود و برای تحقق فرامین ناب اسلامی به حمایت از شیعیان ستم دیده و آواره قره‌باغ اشغالی برخاسته شود.
- ۱۰- به حمایت از گروه‌های تروریستی پ.ک.ک و پژاک در مخاصمه با ملت تورک، علی‌الخصوص در غرب آذربایجان جهت تغییر ترکیب جمعیتی پایان داده شود.
- ۱۱- برای تامین نیازهای مبرم اقتصادی آذربایجان، هرچه سریعتر اقدام به مکانیزه کردن کشاورزی با توجه به پتانسیل قوی موجود گردد. وضعیت راه‌های ارتباطی بین شهرهای آذربایجان بهبود یابد و بهره‌برداری از آزادراه زنگان- تبریز که به صورتی مغرضانه همیشه با موانع خودساخته روبرو می‌شود، تسریع گردد. از غارت و انتقال مواد خام منابع و معادن غنی آذربایجان علی‌الخصوص معادن سرب و روی انگوران، به مناطق فارس‌نشین جلوگیری شود.
- ۱۲- نیروهای غیر تورک در ادارات و ارگان‌های دولتی آذربایجان و خصوصا زنگان اکثرا آذربایجان را تنها جایی برای کسب درآمد می‌دانند و تا کنون هیچ‌گونه دلسوزی از آنان مشاهده نگردیده و نخواهد شد. از این‌رو پیشنهاد می‌شود به جای آنان، نیروهای تورک و آذربایجانی به کار گرفته شوند.
- ۱۳- با توجه به پتانسیل رودخانه قیزیل اوزن برای تامین برق مصرفی استان، اقدامات عاجل برای قطع وابستگی به استانهای فارس‌نشین همجوار انجام گردد تا ضمن ایجاد اشتغال و کاهش مهاجرت بی‌رویه به مناطق کویری و بد آب و هوا، از هدر رفتن منابع طبیعی استان جلوگیری شود.
- ۱۴- برای پاسداشت کرامت انسانی و جهت تحقق فرهنگ اصیل آذربایجانی، به تضييع حقوق زنان و کودکان که اکثرا ناشی از شیوع فرهنگ وارداتی و تهاجمی در آذربایجان می‌باشد، خاتمه داده شود.

روزشمار وقایع خرداد ۸۵ زنگان

وطن عشقتی، هر عشقتان ازلدیر
منیم ائلیم، منیم دیلیم گؤزلدیر
اؤز جانیمدیر، اؤز آنامدیر وطنیم
آذربایجان! سن منیمسن، من سنین

هنگامی که کاریکاتور و مطلب روزنامه ایران جمعه در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۸۵ به زیر چاپ رفت، شاید کاریکاتوریست و نویسنده و سردبیر نشریه تصویری از واکنش‌های مردم به این امر نداشتند. شاید هم در نظر آنان چنین نوشته و کاریکاتوری توهین محسوب نمی‌شد! به هر صورت چنین اتفاقی افتاد و روزنامه‌ای دولتی و رسمی پرتیراژ روی دکه‌ها رفت که در آن تفکرات و دیدگاه‌های صاحبان نشریه که همانا دولت می‌باشد نسبت به ملت تورک در ایران اعلام شد و می‌توان چنین گفت که دولتیان با زبانی رساتر و این بار با ابزار مطبوعات تورک‌ها را به حیوان تشبیه کردند. این اقدام حاکمیت و دولت اولین عمل آنان در توهین به ملت و تحقیر آنان نبود و البته که آخرین هم نخواهد بود ولی آنچه که باید به آن توجه کرد دیدگاه دولت نسبت به یکی از ملل ساکن در کشور می‌باشد. هر چند که این دیدگاه از زمان رضاخان دست نشانده تا کنون در سیستم حکومتی ایران وجود داشته اما تا زمان انتشار این روزنامه به این وضوح و آشکاری بیان نشده بود. همه تورک‌ها با این گونه رفتارهای متناقض و دوگانه آشنا هستند: از یک سو مردم غیور، وطن‌پرست، سر ایران و آگاه معرفی شده و از سوی دیگر همواره توسط رسانه‌های حکومتی اعم از صدا و سیما، مطبوعات، کتب درسی و ... مورد تحقیر، تمسخر و ظلم قرار می‌گیرند و نیز نمی‌توانند از داشته‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی خویش بهره‌گیرند و دولت علی‌رغم چپاول سرمایه‌های ملی آذربایجان هیچ اقدامی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی آن انجام نمی‌دهد و روز به روز بر اعمال سیاست‌های کثیف خویش برای نابودی فرهنگی و اقتصادی ملت تورک و سرزمین آنها، آذربایجان، اصرار می‌ورزد. با توجه به واقعیات موجود در جامعه و نیز برملاشدن چهره کریه و شوم شوونیسم و سیاست‌های نژادپرستانه دولت که این بار از آستین مطبوعات بیرون آمد و علی‌رغم مبارزات ملت تورک در برابر چنین اقداماتی، این بار تصمیم به اعتراضات وسیع و گسترده علیه سیاست‌های پلید حکومت گرفته شد.

آری! مطلب و کاریکاتور روزنامه ایران تنها می‌توانست بهانه‌ای کوچک برای فریاد درد و رنج و ظلم‌های چندین ساله و طرح جدی‌تر مطالبات و خواسته‌های بدیهی ملتی مظلوم باشد. مردم زنگان نیز همچون دیگر شهرهای آذربایجان در شروع اعتراضات و طرح خواسته‌های

خویش لحظه‌ای درنگ نکردند. دانشجویان بار دیگر همچون گذشته به عنوان قشر آگاه جامعه پیشرو و آغازگر حرکات بودند. در زیر به صورت خلاصه به رویدادها و نقش آفرینی دانشجویان و مردم فهیم زنگان در آفرینش

آری! مطلب و کاریکاتور روزنامه ایران تنها می‌توانست
بهانه‌ای کوچک برای فریاد درد و رنج و ظلم‌های چندین
ساله و طرح جدی‌تر مطالبات و خواسته‌های بدیهی ملتی
مظلوم باشد.

حماسه خرداد ملت تورک آذربایجان خواهیم پرداخت:

سه شنبه ۸۵/۲/۲۶

امروز در دانشگاه‌های تبریز و اورمیة اعتراضات آغاز گشته و دانشجویان دانشگاه‌های تهران نیز بیانیه‌های متعددی صادر کرده‌اند. دانشجویان دانشگاه زنگان نیز خود را برای اعتراضات بزرگ آماده می‌کنند. همه دانشجویان بویژه بومی‌ها در تلاش و تکاپو برای هر چه بهتر برگزارشدن تجمع فردا هستند. نفرت عمومی در دانشگاه نسبت به این اقدام موهن موج می‌زند.

چهارشنبه ۸۵/۲/۲۷

دانشگاه زنگان در تلاطم است. کاریکاتور و متن آن در بین همه دانشجویان پخش گردیده و همگان خود را برای تجمع بزرگ ظهر امروز آماده می‌کنند. اساتید و کارکنان دانشگاه نیز در جریان توهین قرار گرفته‌اند.

امروز جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زنگان به عنوان ارگان رسمی فعالان دانشجویی تورک بیانیه شماره یک خویش را صادر کرد. در این بیانیه که در تمام دانشگاه در سطح وسیعی پخش شد، نسبت به توقیف نشریات آذربایجانی اعتراض شدید شده و آن را ناشی از سیاست‌های آنتی تورک حاکمیت قلمداد می‌کند. متن بیانیه بدین شرح است:

« افسوس و صد افسوس...»

تا کی باید افسوس خورد و هیچ نگفت. باز هم تحقیر و باز هم نیرنگ و باز هم ... سکوت تاکی؟!

بار دیگر شوونیسیم چهره زشت و پلید خود را از پشت پرده‌های ریا و عدالت و آزادی هویدا ساخت. دانشجویان عزیز وانسان‌های خردمند و منصف

پس از توهینات و تحقیرهای صدا و سیما، شوونیسیم در روزنامه‌ها نیز رخنه کرد. روز ۲۲ اریبهشت‌ماه روزنامه ایران اقدام به چاپ کاریکاتور مغرضانه‌ای کرد که ذهن انسان‌های آزاداندیش را به ستوه و درد می‌آورد. در این شماره ما شاهد آن هستیم که به هویت و فرهنگ ملتی عظیم اهانت شده است و این سوال بی‌جواب باز در اذهان تداعی می‌شود که: برای چه و تا کی؟! آیا روزنامه‌های آذربایجانی توقیف می‌شوند تا روزنامه‌های دیگر در فضایی بهتر رسالت خود را به انجام رسانند؟!

آیا رسالت آنان اهانت به شعور و حیثیت انسان‌هاست؟ وای بر کسانی که راز بقای خویش را در تحقیر دیگران می‌دانند و ایمان به انسانیت خود را به دشمن می‌فروشند؟

جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زنگان همچنان که در قبال توهین نشریه دانمارکی - از سوی غیر مسلمانانی که داعیه حکومت علوی ندارند- به ساحت پیامبر اعظم و اعتقادات مسلمانان را محکوم کرده این بار نیز این عمل قبیحانه روزنامه ایران را که در جمهوری اسلامی اجازه نشر دارد را محکوم کرده و خواهان توقیف روزنامه ضد ایرانی ایران را دارد. و باز هم سؤال که چه دست‌هایی در پشت پرده وجود دارد که می‌خواهد شیعیان و مسلمانان تورک ایران را تحقیر کند. چه سودی برای آنان وجود دارد؟! »

ساعت ۱۲ ظهر مقابل دانشکده کشاورزی زمان شروع تجمع و تریبون آزاد است. در این تجمع که با حضور بیش از هزار نفر از دانشجویان دانشگاه زنگان برگزار می‌گردد، دانشجویان ضمن بیان این مطلب که این اهانت نه فقط به تورک‌ها، که به همه بشریت است، نشر این مطلب توهین‌آمیز

را محکوم کرده و خواستار برخورد جدی و قضایی با عاملان نشر این مطلب می‌شوند. دانشجویان ضمن متذکر شدن این مطلب که رشادت‌ها و دلیری‌های مردم غیور تورک بر کسی پوشیده نیست، خواستار توقیف روزنامه ایران و عذرخواهی رسمی آن از مردم شریف آذربایجان می‌شوند. اقدام هوشمندانه دانشجویان و متجمعین در این بود که با جسارت تمام خاطر نشان می‌کنند که اقدام روزنامه ایران، اقدامی آگاهانه و برنامه‌ریزی شده در جهت پیشبرد اهداف ضدانسانی و نژادپرستانه و در راستای اجرای کامل سیاست‌های یکسان‌سازی فرهنگی می‌باشد و چنین عنوان می‌کنند که: ما در گذشته نیز شاهد اقدامات این چنینی از قبیل: دستگیری و ارباب غیر قانونی فعالین تورک، برهم‌زدن تجمعات قانونی تورک‌ها، ندادن مجوز برای برگزاری برنامه اعم از شب شعر و موسیقی تورکی یا راهپیمایی‌ها، توهین‌ها و تحقیرهای پی‌درپی در رسانه ملی، استفاده از واژه موهوم آذری به جای واژه تورک و ... بوده‌ایم.

همچنین در این تجمع یکی از اساتید جیره‌خوار حکومت نیز به ایراد سخن پرداخت و ادعا کرد که این اقدامات توطئه‌ها و اقدامات آمریکایی برای تجزیه ایران است و خواستار برخورد هوشمندانه دانشجویان تورک با آن شد که با واکنش شدید تجمع‌کنندگان روبرو شد و در پاسخ به وی دانشجوی دختری با اشاره به اجرا نشدن اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی، اقتصاد ضعیف آذربایجان، ساختن هویت موهوم آذری و سخنان رئیس جمهور که عید نوروز را فقط به پارسی‌زبانان تبریک گفته بود و با اشاره به سخنان این استاد خود فروخته نتیجه‌گیری کرد که دولت جمهوری اسلامی، آمریکایی است.

در انتهای این تجمع طوماری نیز در جهت محکوم کردن انتشار این مطلب توهین آمیز تنظیم گردید که به امضای بیش از دو هزار نفر از دانشجویان رسید و قطعنامه‌ای که توسط دانشجویان آماده شده بود قرائت گردید. در این قطع نامه آمده بود:

ملت شریف ایران، فرزندان غیور آذربایجان

پس از توهینات و تحقیرات صدا و سیما شوونیست نسبت به ملل غیرفارس زبان ایران این بار شوونیسم با ابزار مطبوعات به تحقیر و توهین تورکان ایران پرداخت تا جایی که آذربایجان نگین ایران را به توالف تشبیه کرده و تورکان ایران را در لباس سوسک با غذای ... به تصویر کشیده است. بی‌شک سکوت هر انسانی در قبال این هتک حرمت، خود مهر تائیدی بر افکار شوونیستی است. ما دانشجویان دانشگاه زنگان ضمن محکوم کردن این حرکت شنیع، خواستار حمایت و اعتراض شما ملت شریف ایران می‌باشیم و خواستار اجرای بندهای ذیل هستیم:

۱- برخورد قوه قضائیه و در راس آن ریاست قوه قضائیه با نشریه مزبور

۲- آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، به ویژه دانشجویان دربند در اسرع وقت

۳- اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی در راستای احقاق حقوق ملل غیر فارس ایران

۴- رفع تبعیض اقتصادی و فرهنگی و سیاسی بین ملل و مذاهب مختلف ایران

بدیهی است که در صورت عدم اقدام مؤثر و پاسخگویی مسئولین و استناددار زنگان به عنوان نماینده دولت در استان ما دانشجویان اعلام می‌داریم که متوسل به راه‌های دیگر از جمله گسترش اعتراضات و تحصنات از روز شنبه در دانشگاه و حتی در شهر خواهیم شد.

در خاتمه برنامه تجمع‌کنندگان اقدام به اعتصاب غذا کرده و اعلام کردند که تا برآورده شدن کامل خواسته‌هایشان به اعتصاب غذای خویش و نیز گسترش دامنه اعتراضات ادامه خواهند داد.

پنج شنبه و جمعه ۲۸ و ۲۹/۲/۸۵

این دو روز در دانشگاه‌های دولتی تعطیل می‌باشد ولی در چنین موقعیتی برای دانشجویان تورک تعطیلی مفهومی نداشت. دانشجویان با جلسات متعدد و گفتگوهای زیاد، خود را برای تحصن بزرگ روز شنبه آماده می‌کردند. در این روزها دانشجویان وحدت و یکپارچگی و تلاش بی‌ظییری از خود نشان می‌دادند، چنان که هرکس هر آنچه را که برای بهتر برگزار شدن مراسمات آتی در توان داشت، دریغ نمی‌کرد. یک هفته از توهین روزنامه ایران می‌گذشت و هنوز هیچ اقدامی جهت برخورد با مسئولان آن صورت نگرفته و حتی خود روزنامه حاضر به عذرخواهی نبود و تنها متن بسیار کوتاهی در مورد رنجش و آزرده‌گی خاطر برخی هموطنان آذری در نشریه درج گردید که مشخص نکرده بودند که آذری‌ها کیستند؟! و دلیل رنجش آنان چه بوده؟ و هیچ اشاره‌ای به توهین خود نکرده بودند. در واقع روزنامه ایران با آذری نامیدن ملت تورک و جعل هویت یک ملت توهینی دیگر در پرونده خود ثبت کرد.

در دانشگاه‌های دیگر شهرهای آذربایجان نیز اعتراضات ادامه دارد و بیانیه‌های متعددی از سوی دانشجویان تورک در محکومیت این اقدام صادر می‌شود. همچنین در شهرهای مختلف نیز مردم خود را برای همراهی دانشجویان و پیوستن به صفوف اعتراضات آماده می‌کنند. در زنگان نیز علیرغم خفقان شدید حاکم بر سطح شهر برخی از مردم از توهین روزنامه بی‌اطلاع مانده‌اند و در پی اطلاع یافتن از اعتراضات دانشجویی هستند که با انتشار اخبار دانشگاه و نیز بیانیه جمعیت اسلامی توسط دانشجویان و برخی فعالان، مردم تصمیم به حمایت از دانشجویان گرفته و در صدد برگزاری ادامه اعتراضات برمی‌آیند.

شنبه ۳۰/۲/۸۵

دانشجویان دانشگاه زنگان که از روز سه شنبه ۲۶/۲/۸۵ اعتراضات خود را شروع کرده‌اند، امروز دانشگاه را به تعطیلی کشانده و تحصن بزرگ و تاریخی خود را شروع می‌کنند. از ساعت ۷:۳۰ صبح دانشجویان به صورت خودجوش اقدام به متوقف نمودن سرویس‌های دانشگاه در مقابل درب ورودی نموده و ضمن دعوت اساتید، دیگر دانشجویان و کارمندان به پیوستن به جمع متحصنین، با فرستادن نماینده به کلاس‌های درس معدودی که به اصرار برخی اساتید در حال برگزاری بود (بدلیل آخر ترم بودن و عقب ماندگی برخی دروس)، خواستار تعطیلی کلاس‌ها شدند.

در ساعت ۸:۳۰ مسئولین دانشگاه با حضور در میدان دانشگاه (محل تحصن) از دانشجویان می‌خواهند که ورودی دانشگاه را باز کرده و جلوی عبور سرویس‌ها را نگیرند که با مخالفت دانشجویان مواجه می‌شوند. از ساعت ۱۰ سرویس از شهر به دانشگاه توسط مسئولین متوقف می‌شود تا مانع حضور خیل عظیمی از دانشجویان که از خوابگاه‌های داخل شهر به دانشگاه می‌آمدند، شوند که سرانجام در ساعت ۱۰:۳۰ با اعتراض گسترده متحصنین رفت و آمد سرویس‌ها برقرار می‌شود. همچنین مسئولین دانشگاه از حضور خبرنگاران در دانشگاه نیز خودداری می‌کردند که با اعتراض شدید دانشجویان خبرنگاران نیز توانستند در دانشگاه حضور یابند که این اقدام تاثیر بسیار مثبتی در بازتاب رویدادهای دانشگاه در نشریات روزهای آتی در استان داشت. بیانیه شماره دو جمعیت اسلامی دانشجویان نیز که صبح امروز منتشر شده بود ضمن پخش در بین دانشجویان در تحصن نیز قرائت شد. متن بیانیه بدین شرح است:

«بار دیگر شاهد اهانت وقیحانه و بی‌شرمانه به میلیون‌ها تورک آن هم از سوی یک نشریه

دولتی شدیم و مهرورزی دولت شامل حال تورک‌ها نیز شد. البته اینگونه اقدامات در کشور ما سابقه‌ای طولانی دارد. وقتی آنقدر قدرت و توانایی تفکر منطقی ندارند که در برابر ملت بزرگ آذربایجان با گفتگو و زبان منطق سخن گویند وارد فازهای توهین و تحقیر می‌شوند. شاید در گذشته می‌توانستیم این گونه اقدامات ضدبشری را به سیاست‌های سلطه‌طلبانه استعمار پیر انگلیس و میراث شوم رژیم شوونیستی پهلوی نسبت دهیم ولی اکنون با این همه توهین و تحقیر و اهانت‌های دامنه‌دار، آن هم از سوی نهادهای حکومتی و دولتی، به نظر می‌رسد این گونه اقدامات در سیستم حکومتی و دولتی ایران نهادینه شده است. تحقیر و اهانت‌های پی‌درپی صدا و سیما در سریال‌ها و برنامه‌های مختلفی، صدور مجوز جهت اجرای برنامه‌هایی که فقط با هدف توهین به ملیت‌ها برگزار می‌شود، ترتیب اثر ندادن به اعتراضات دانشجویان و ملت آذربایجان، عدم صدور مجوز برای برنامه‌های کاملاً فرهنگی تورک‌ها (حتی شب شعر) به بهانه‌های واهی همچون شرایط حساس و ویژه کنونی کشور و نهایتاً انتشار چنین کاریکاتور و مطالبی در یک روزنامه رسمی دولت، همه و همه نشان از هدفمند بودن این گونه اقدامات دارد و به هیچ وجه نمی‌توان آن را یک اشتباه سهوی به علت فشار کاری دانست. البته این گونه اقدامات شوونیستی و تحقیر ملل غیر فارس در قالب‌های دیگر نیز چهره زشت و کریه خود را نشان می‌دهد: تبعیض اقتصادی که منجر به بیکاری شدید در مناطق مختلف غیر فارس به ویژه در آذربایجان و فقر شدید در این مناطق شده است تا جایی که آذربایجان با برخورداری از منابع و معادن عظیم خدادادی مهاجرپرست‌ترین منطقه کشور است. در کنار این‌ها اضافه کنید تبعیضات فراوان سیاسی و فرهنگی و همچنین فشار بر هویت‌طلبان تورک و تهدید، ارباب، بازداشت و زندانی کردن دانشجویان، انحلال تشکل‌های دانشجویی صرفاً به خاطر برگزاری برنامه‌های تورکی و اقدامات دیگر...

دانشجویان آگاه، ملت غیور و بیدار آذربایجان و انسان‌های آزاد اندیش و منصف اگر اکنون نیز چون گذشته از کنار این اقدام غیربشری به راحتی بگذریم باز هم این گونه اقدامات تکرار خواهد شد. لذا برای خاتمه دادن به این نوع بی‌شرمی‌ها و مظالم باید تا پایان بایستیم و مبارزه کنیم. اگر مسئولان کشوری هم با این اقدامات شوونیستی مخالفند و آن را به عده‌ای خاص و دست‌های پنهان نسبت می‌دهند با حرکت ملت آذربایجان همگام شده و در کنار ملت باشند نه در مقابل آن. در غیر این صورت ثابت خواهد شد که این گونه اقدامات از سوی آنان پایه ریزی می‌شود.

جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زندگان ضمن محکوم کردن دوباره این اقدام ضدانسانی حمایت کامل و همه جانبه خود را از تجمع خودجوش روز چهارشنبه ۱۵/۲/۲۷ دانشجویان دانشگاه زندگان اعلام می‌دارد. همچنین از هر اعتراض به این اقدام شوونیستی در تمام شهرها و دانشگاه‌های مختلف آذربایجان و تجمعات مردمی در شهرهای مختلف به ویژه اعتصاب بزرگ بازار تبریز حمایت می‌کند و اعلام می‌دارد که این حمایت‌ها تا عذرخواهی رسمی بالاترین مسئول فرهنگی کشور (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) از طریق صدا و سیما و رسانه‌های عمومی و همچنین توقیف روزنامه ایران تا تشکیل پرونده قضایی و محاکمه مسئولان آن ادامه خواهد داشت. ضمن اینکه خواستار آزادی بی‌قید و شرط فعالان هویت‌طلب تورک به ویژه دانشجویان در بند و افرادی که در جریان اعتراضات اخیر دستگیر شده‌اند می‌باشد.

یاشاسین آذربایجان، یاشاسین آزادلیق»

جمعیت از دانشجویان علوم پزشکی زندگان (حدود ۵۰ نفر) نیز می‌خواستند در تحصن شرکت

کنند که متأسفانه مسئولین با جواب‌های سر بالا بعد از یک ساعت معطل کردن آن‌ها از حضور آن‌ها در تحصن خودداری کردند و علی‌رغم اعتراض شدید متحصنین و نیز ارائه کارت دانشجویی از سوی این دانشجویان موفق به حضور در تحصن نشدند. اما دانشجویان دانشگاه آزاد زنگان که در مراسم حضور داشتند بیانیه خویش را در محکومیت اقدامات روزنامه ایران قرائت کردند. همچنین یکی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران به نمایندگی از دانشجویان آن دانشگاه‌ها به ایراد سخن پرداخت. وی در ابتدا به تشریح اعتراضات دانشجویان تورک در تهران پرداخت و در ادامه با اشاره به حقوق بدیهی و مسلم هر انسانی خطاب به مسئولان گفت که آیا درخواست آموزش به زبان مادری (تورک دیلنده مدرسه) خواسته بزرگی است؟ آیا ما حق نداریم چنین خواسته‌ای را مطرح کنیم؟

در این تحصن حجت الاسلام فتحی رئیس نهاد رهبری دانشگاه و دکتر نجفیان معاون فرهنگی دانشگاه سخنرانی کرده و اقدامات توهین‌آمیز روزنامه ایران را محکوم می‌کنند، هر چند که فتحی تلاش داشت این اقدام را به بیگانگان نسبت دهد و کاریکاتوریست را تورک معرفی کند که با اعتراضات گسترده دانشجویان موفق به این کار نمی‌شود و البته دانشجویان با سخنان بعدی خود پاسخ‌های کوبنده به وی دادند. حضور اساتید نیز در جمع دانشجویان چشمگیر است.

دانشجویان در این جمع به سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت شدیداً اعتراض می‌کنند و آنچه بیشتر به چشم می‌خورد فاش ساختن و اعتراض شدید به سیاست‌های ریشه‌دار و تدوین شده حاکمیت در برخورد با ملت تورک و اصرار حکومت بر اجرای کامل سیاست نان در برابر فرهنگ در آذربایجان و تأکید بر هدفمند بودن چنین اقداماتی می‌باشد. همچنین پیام نوروزی احمدی‌نژاد و شعار تیم ملی (ستارگان پارسی) و بایکوت خبری فجایع قره‌باغ از دیگر محورهای سخنان دانشجویان می‌باشد.

در ادامه هوشنگ جعفری شاعر محبوب زنگان با خواندن شعرهای ساوالان و... جمع را بر سر شوق می‌آورد. دکتر مشکینی از اساتید دانشگاه نیز در این جمع سخنرانی می‌کند. در این تحصن بالغ بر ۳۰۰۰ نفر حضور دارند. چندین شخص ناشناس که سرنشین یک پراید سفید رنگ هستند نیز در طول مراسم در میدان دانشگاه حضور داشته و تمام جزئیات مراسم را زیر نظر گرفته‌اند.

سعید متین‌پور، روزنامه‌نگار زنگانی و از فعالان حرکت ملی، به عنوان آخرین سخنران تحصن با ارائه سخنان خویش شور و حال خاصی به جمع می‌بخشد. وی با برشمردن مصداق‌هایی از مظالم و تبعیضات آشکار فراوان انجام شده علیه آذربایجان از منظر اقتصادی و فرهنگی خواستار پاسخگویی حاکمیت و دولت به این همه ظلم و جور و تحقیر می‌شود. سخنان وی با تشویق‌های مکرر دانشجویان و فریادهای یاشاسین آنان تایید می‌شود. وی با اشاره به تاریخ، تمدن و فرهنگ پرافتخار آذربایجان افزود: فرهنگ توهین و تحقیر به هیچ وجه در فرهنگ ملت آذربایجان جایی ندارد و باید به فرهنگی که به نویسندگان و هنرمندان خویش اجازه توهین به فرهنگ‌های دیگر می‌دهد، تاسف خورد.

طومار دیگری نیز امروز توسط دانشجویان امضا شد که شمار امضاها آن افزون بر ۲ هزار امضا می‌شد که با توجه به اینکه در اولین روز هفته قرار داشت بسیار قابل توجه بود.

این تحصن با اعتصاب غذا همراه بود. مهمترین شعارهای دانشجویان در این تحصن عبارت بودند از: هارای هارای من تورکم، یاشاسین آذربایجان، منیم دیلیم اولن دئییل / آیری دیله دؤنن دئییل، اولوم اولسون شوونیسمه و اولوم اولسون آپارتایدا.

در پایان این تحصن قطعنامه جمعیت اسلامی خوانده شد و دانشجویان با تشکیل حلقه اتحاد

مارش آذربایجان (گنجلر مارشی) را خوانده و با حرکت به سمت درب ورودی دانشگاه، استاندار را به جمع خود فرا خوانده و خواستار صدور مجوز برای تجمع در میدان اصلی شهر شدند و تهدید کردند که در صورت عدم صدور مجوز تا روز دوشنبه جاده ترانزیتی تهران- تبریز را خواهند بست تا صدای مظلومیت ملت آذربایجان را به همه برسانند. متن قطعنامه بدین صورت است:

« و من آیاته خلق السماوات و الارض و اختلاف السنتمکم و الوانکم»

ملت شریف ایران، فرزندان غیور آذربایجان

پس از توهینات و تحقیرات صدا و سیمای شوونیست نسبت به ملل غیر فارس زبان ایران این بار شوونیسم با ابزار مطبوعات به تحقیر و توهین تورکان ایران پرداخت تا جایی که آذربایجان نگین ایران را به توالت تشبیه کرده و تورکان ایران را در لباس سوسک با غذای... به تصویر کشیده است بی شک سکوت هر انسانی درقبال این هتک حرمت خود مهر تائیدی بر افکار شوونیستی است. ما دانشجویان دانشگاه زنگان ضمن محکوم کردن این حرکت شنیع، خواستار حمایت و اعتراض شما ملت شریف ایران می باشیم و خواستار اجرای بندهای ذیل هستیم:

- 1- توقیف و لغو مجوز روز نامه ایران و محاکمه مسئولین این امر
- 2- آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی به ویژه دانشجویان در بند در اسرع وقت
- 3- اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی

- 4- رفع تبعیض اقتصادی و فرهنگی و سیاسی بین ملل و مذاهب مختلف ایران (اصل ۴۸)
- 5- تشکیل فراکسیون نمایندگان تورک مجلس

- 6- قطع روابط دیپلماتیک ایران و ارمنستان جنایتکار

7- اعاده کلیه اسامی تاریخی به اماکن جغرافیایی و رفع موانع موجود در نامگذاری اسامی تورکی بدیهی است که در صورت عدم اقدام مؤثر و پاسخگویی مسئولین و استاندار زنگان به عنوان نماینده دولت در استان، ما دانشجویان اعلام می داریم که متوسل به راه های دیگر از جمله گسترش اعتراضات و تحصنات در روز دوشنبه در شهر خواهیم شد.»

یکشنبه ۱۵/۲/۳۱

بعد از اعتراضات گسترده و مداوم دانشجویان در دانشگاه زنگان و نیز همراهی دیگر دانشگاه ها با آنان از جمله دانشگاه آزاد زنگان و دانشگاه علوم پزشکی و علوم پایه پیشرفته، شهر زنگان در حال و هوای همراهی دانشجویان و اعتراض قرار داشت. اکنون دیگر در شهر همه مردم با اخبار دانشگاه، توهین ایران و بیبانه های متعدد دانشجویی و نیز بیبانه های متعدد دیگری که از سوی فعالان علمی، فرهنگی و دانشگاهی شهر پخش شده بود، اطلاع کامل یافته بودند. از سوی دیگر دانشجویان نیز بعد از برگزاری اعتراضات در دانشگاه، درخواست صدور مجوز برای برگزاری تجمع در سطح شهر را از مسئولین مربوطه داده بودند. با وجودی که چنین مجوزی هیچ گاه صادر نشد ولی مردم زنگان و دانشجویان برای برگزاری تجمع در روز دوشنبه در سطح شهر اصرار داشتند و فراخوان های متعدد مردمی در این خصوص در سطح شهر پخش شده بود.

دوشنبه ۱۵/۳/۱

امروز با تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد آغاز گشت. جمعیت بسیار زیادی در مقابل دانشگاه آزاد حاضر بودند. این مراسم با سخنان برخی دانشجویان و نیز تعدادی از اساتید از جمله رئیس دانشگاه آزاد همراه بود. جمع حاضر خواستار استعفا و وزیر ارشاد، توقیف روزنامه ایران و پایان

بخشیدن به سیاست‌های کثیف شوونیستی حاکمیت علیه ملت مظلوم آذربایجان شدند. در این مراسم بیانیه دانشجویان دانشگاه آزاد خوانده شد که از مردم آذربایجان خواستار تداوم اعتراضات و پیگیری مطالباتشان را کرده بود. بیانیه دانشجویان دانشگاه آزاد بدین شرح است:

« های ائشیتیمیش قولاغیم ائل هارایین من تانیرام / هایینا های وئرهرم من بو ائللین قوربانیم اساتید محترم و دانشجویان عزیز و ملت شریف تورک:

بر هر انسان مؤمن واجب است، از حیثیت، ناموس و هویت خود دفاع کند. به پا خیزید، سکوت شما نشانه تأیید حرکات پلید شوونیستی است.

رساله هویت، اساس و شخصیت ملت است. ما ملت تورک متعهدان رساله هویتیم. در حفظ این هویت باید تلاش کرد و همه عاملان متزلزل کننده آن را باید به زانو درآورد. این خواسته را با وجدان خود بسنجید. با غرور و غیرت خود قیاس کنید، چرا این چنین بیانات توهین‌آمیز را آویزه این ملت شریف کنند و ما متقابلاً سکوت را مقدم بر بروز احساساتمان قرار دهیم این نطم و ایده شوونیستی هیچ ویژگی مثبتی را به همراه ندارد که بر این ریشه فرهنگی ما خط بطلان بکشد. من سخنگوی اجلاس ذهن شما نیستم، خودتان تفکر کنید و نیک بیندیشید. تا زمانی که این چنین پشت در به غفلت بنگریم دستهای پنهان خواه و ناخواه تحریف را بر حیثیت و شأن ملل تورک تحمیل خواهند کرد. احساسات و منطق خودتان را با توسل به قاعده ارتفاق رو به آتیه هدایت کنید. حرکت به سوی هویت و انسانیت را ملاک و سلطان شأن و منزلت خودتان قرار دهید در این صورت است که حقیقت ظاهر خواهد شد و زبان تاریختان را بر افق‌های دور دست هدیه خواهد کرد. حال از پلان ذهن خود خارج شویم و بر خواسته خود متوسل شویم.

ما دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی زنگان نیز به نوبه خود باید در این تحسن شریف و مقدس به پا خیزیم. در مقابل این الفاظ توهین‌آمیز که اطلاق بر عموم ملت تورک دارد اعتراض کنیم و قطعاً پایان این اعتراضات مستلزم عذرخواهی و استعفاى بالاترین مسئول فرهنگی کشور (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) و مدیر مسئول روزنامه ایران است. این عذرخواهی باید از رسانه‌های عمومی اعلام شود تا ملت تورک بتواند به نطمی بر فعالیت این رسانه‌ها چیره شود و همیشه اقتدار مسلم خودشان را ترویج دهند.»

بعد از پایان تجمع دانشگاه آزاد، حوالی ظهر، عده‌ای از دانش‌آموزان مدارس مختلف زنگان در اقدامی کاملاً خودجوش و تحصین برانگیز در میدان انقلاب تجمع کردند. آنان با در دست داشتن پلاکاردهایی که از کارتون‌های به امانت گرفته شده از مغازه‌های اطراف ساخته بودند با شعارهایی از جمله «هارای هارای من تورکم» خواستار تداوم اعتراضات شده و انزجار خویش را نسبت به توهین دولت به ملت تورک اعلام نمودند. همچنین تعدادی از مردم با حضور در دفتر روزنامه ایران، خواستار توقف پخش این روزنامه در زنگان شدند.

هر چه قدر که کار دانش‌آموزان در میدان انقلاب تحسین برانگیز بود، اقدام دانشجویان دانشگاه آزاد جدید التاسیس قئیدار نیز ستودنی و افتخارآمیز بود. دانشجویان این دانشگاه امروز با برپایی تجمع اعتراض آمیز در محوطه دانشگاه همراهی خویش را با دانشجویان دانشگاه زنگان اعلام کرده و خواستار برخورد جدی مسئولان با روزنامه ایران شدند.

همه این‌ها در حالی بود که تاکنون هیچ خبری در مورد اعتراضات گسترده دانشجویی در صدا و سیما، روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌ها منتشر نشده بود و تنها نشریات محلی به‌ویژه تک روزنامه استان بود

که به درج اخبار دانشجویی می‌پرداختند. ضمن اینکه از سوی مسئولان قضایی نیز هیچ اقدامی جهت برخورد با توهین‌کنندگان انجام نشده بود. انگار نه انگار که اتفاقی رخ داده است.

دیگر شهرها و دانشگاه‌های آذربایجان نیز شاهد تداوم اعتراضات بود و اوج اعتراض در تبریز قهرمان روی داد. صدها هزار

حوالی ظهر، عده‌ای از دانش‌آموزان مدارس مختلف زنگان در اقدامی کاملاً خودجوش و تحصین برانگیز در میدان انقلاب تجمع کردند. آنان با در دست داشتن پلاکاردهایی که از کارتون‌های به امانت گرفته شده از مغازه‌های اطراف ساخته بودند با شعارهایی از جمله «هارای هارای من تورکم» خواستار تداوم اعتراضات شده و انزجار خویش را نسبت به توهین دولت به ملت تورک اعلام نمودند.

غیور مرد و شیرزن تبریزی از ساعت ۱۶ با حضور در خیابان‌های تبریز، وحدت و یکرنگی خویش را در دفاع از هویت ملی آذربایجان نشان داده و خواستار پایان بخشیدن به سیاست‌های ظالمانه حکومت در قبال تورک‌ها شدند. مهمترین شعار مردم تبریز «هارای هارای من تورکم» بود که نشان‌دهنده درد اصلی ملت آذربایجان یعنی درد هویت بود. اما مسئولان با اقدامات خشن و غیرانسانی اعتراض مدنی تبریزیان را به تشنج کشیده و گاز اشک آور، باتوم های الکتریکی، نیروهای ضد شورش و نیز گلوله را جهت ممانعت از ادامه اعتراضات به کار گرفتند. با وجود شهید شدن برخی از هموطنانمان، تبریزیان قهرمان قیام ملی آذربایجان را رقم زدند تا برگ دیگری از حماسه آذربایجان در تاریخ ثبت شود و نشان دهد که ملت آذربایجان و در راس آن تبریز همواره در دفاع از هویت، آزادی و مبارزه با ظلم و استبداد بیدار و آماده پیکار است و بدین ترتیب حماسه‌ای بزرگ و بی‌نظیر خلق گردید.

امروز زنگان، تبریز را همراهی کرد. مردم دلیر زنگان از ساعت ۶ عصر با تجمع در میدان انقلاب و سپس راهپیمایی در خیابان سعدی وسط، سعدی شمالی و نهایتاً با ورود به خیابان استانداری در مقابل استانداری توقف نمودند. در این حرکت بی‌نظیر که در زنگان بی‌سابقه بوده هزاران نفر از مردم زنگان حضوری فعال داشتند. در این راهپیمایی شعارهای مختلفی از جمله «هارای هارای من تورکم»، «زنگانلی لار او یاقدی اؤز دیلینه دایاقدی»، «تورک دیلینده مدرسه»، «آذربایجان میللتی چکمز بئله ذیللتی»، «اویان اویان تورک اویان، داردادیر آذربایجان» از سوی مردم سر داده شد و سرانجام با توقف در مقابل استانداری خواستار حضور و پاسخگویی استاندار شدند که این بار نیز استاندار به بهانه حضور در تهران در این جمع حاضر نشد و بعد از دقایقی امام جمعه زنگان در میان جمعیت حاضر شد. وی در ابتدا به فارسی سخن گفت که با اعتراض شدید مردم سخنان خود را به تورکی ادامه داد و طی سخنانی به تعریف و تمجید از تورک‌ها پرداخت و از تاریخ افتخارآمیز تورک‌ها سخن گفت و با یادآوری رشادت‌ها و دل‌آوری‌های ملت تورک چنین ادامه داد که در طول تاریخ کسی را جرات گرفتن سلاح از دست تورک نبوده است و در نهایت خواستار برخورد جدی با عوامل توهین‌کنندگان شد و آن را محکوم نمود، ضمن اینکه وعده کرد که این موضوع را در تریبون نماز جمعه مطرح سازد و من بعد خطبه‌ها را با زبان ملت ایراد نماید.

البته این وعده‌ها هیچ گاه عملی نشد و فریبی دیگر بر دفتر سیاه اعمال امام جمعه نقش بست. معلوم نبود که چرا اکنون رشادت‌ها و دلاوری‌های تورکان در طول تاریخ بر زبان امام جمعه جاری می‌شد؟ و اینکه چرا تا قبل از این اعتراضات، مسئولان این همه تاریخ پرشکوه و دلاوری‌ها را فراموش کرده بودند؟ نمایندگان استان نیز همگی در این باره سکوت پیشه کردند تا خوش‌خدمتی خود را به اربابان بالانشین ثابت کنند.

سه شنبه و چهارشنبه ۲ و ۳/۳/۸۵

نهایتاً امروز، روز توقیف روزنامه ایران بود. هر چند این اقدام تنها برای کاهش اعتراضات انجام می‌شد ولی شکست بزرگ دولت در برابر ملت آذربایجان محسوب می‌شد.

روزهای گذشته، روزهای بسیار پرکاری برای دانشجویان و مردم شهر بود اما اعتراضات بازم تداوم داشت. اکنون نوبت دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و دانشکده پیراپزشکی بود که با تجمعی جداگانه در دانشگاه و دانشکده خویش، آگاهی و حضور خویش را برای دفاع از شرافت و حیثیت ملت تورک و اعتراض به سیاست‌های ضدبشری حکومت در قبال آذربایجان به اثبات رسانند. البته برخی از دانشجویان این دانشگاه قبلاً نیز خواستار حضور در دانشگاه زنگان و همراهی دانشجویان این دانشگاه در تحصن بزرگ آنان بودند که با ممانعت حراست دانشگاه موفق به این کار نشدند. تجمع دانشجویان علوم پزشکی و دانشکده پیراپزشکی در نهایت عظمت و شکوه برگزار شد و دانشجویان با پلاکاردها، شعارها و سخنان خود خواستار اجرای کامل خواسته‌های ملت آذربایجان شدند و ضمن محکوم کردن عمل موهن روزنامه ایران انزجار خویش را از اقدامات و اعمال فاشیستی حاکمیت در قبال ملت تورک ابراز داشتند.

امروز همچنین در پی تدارک گسترده جوانان شهر زنگان برای تبدیل مسابقه تیم‌های تراکتورسازی تبریز و همای تهران در زنگان به صحنه اعتراضات گسترده، به دلیل مخالفت شورای تأمین استان، این بازی در زنگان لغو شد. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران - منطقه زنگان - بازی دو تیم تراکتورسازی تبریز و همای تهران از سوی مسابقات لیگ دسته یک کشور که قرار بود عصر امروز در ورزشگاه بی طرف کارگران زنگان برگزار شود، با مخالفت شورای تأمین شهرستان زنگان، لغو شد. با وجودی که مسئولان سعی دارند علت اصلی لغو این مسابقه را کتمان کنند ولی سعید موسوی رئیس هیئت فوتبال زنگان، صریح‌تر یادآور می‌شود: هیئت فوتبال استان آمادگی کامل جهت برگزاری این مسابقه را داشت و هر دو تیم نیز در زنگان حضور یافته بودند و فقط به خاطر احتمال بروز برخی مشکلات،

مسئولان با برگزاری مسابقه مخالفت کردند.

تجمع دانشجویان علوم پزشکی و دانشکده پیراپزشکی در نهایت عظمت و شکوه برگزار شد و دانشجویان با پلاکاردها، شعارها و سخنان خود خواستار اجرای کامل خواسته‌های ملت آذربایجان شدند و ضمن محکوم کردن عمل موهن روزنامه ایران انزجار خویش را از اقدامات و اعمال فاشیستی حاکمیت در قبال ملت تورک ابراز داشتند.

وی تجمع شامگاه روز گذشته معترضین به اهانت یک روزنامه ایران به تورک‌ها در زنگان را دلیل عمده این امر عنوان کرده و اظهارداشت: دو تیم مذکور امروز راهی کرج

شدند تا مسابقه فردا به میزبانی این شهر برگزار شود. غلامرضا داداشی، مسئول روابط عمومی هیئت فوتبال نیز در این رابطه به خبرنگار ایسنا، گفت: با توجه به حضور هواداران تیم تبریزی و اعلام معترضین روز گذشته، مبنی بر حضور در ورزشگاه این احتمال داده می‌شد که در صورت باخت تیم تراکتورسازی، پس از بازی مشکلاتی بوجود آید.

با تداوم دامنه اعتراضات در همه دانشگاهها و نیز شهر زنگان، معادلات کج فهمانی که این اعتراضات را احساسی و مقطعی ارزیابی می‌کردند کاملا بهم خورد. از جمله این افراد رئیس و نایب رئیس مجلس و دیگر مسئولان جمهوری اسلامی و نیز پان فارس‌ها بودند که توان دیدن چنان قدرت و عظمتی را در حرکات دانشجویی و نهایتا مردمی و ملی نداشتند و سعی می‌کردند که با اظهارنظرهای مغرضانه آنها را حرکتی پایان یافته جلوه دهند. همچنین از امروز شاعر محبوب آذربایجان استاد هوشنگ جعفری توسط نیروهای دولتی و امنیتی در خانه خود محبوس شده است، نیروهای امنیتی بدلیل برنامه بسیار موثر وی در دانشگاه زنگان مانع از حضور وی در برنامه‌های دیگر و همراهی مردم و دانشجویان در اعتراضات می‌شوند.

امروز قیام بزرگ اورمیه روی داد و تعدادی از هموطنان عزیزمان در اورمیه شهید شدند. اورمیه برای اعلام حمایت از تبریز و اعتراض به حاکمیت ضد تورک به پا خواسته بود.

پنج شنبه ۱۵/۳/۴

زنگان امروز نیز در تدارک اعتراضی دیگر است. اعلامیه‌های متعدد که از روزهای گذشته در شهر پخش می‌شد، امروز نیز به صورت گسترده در اختیار عموم قرار می‌گیرد. زنگان امروز برای بزرگداشت یاد و خاطره شهدای تبریز، اورمیه، سولدوز (نقده)، مرند و خیاو (مشکین شهر) و دیگر شهدای قیام ملی آذربایجان به پا خواهد خواست تا ضمن ابراز همدردی، بار دیگر به بیان مطالبات ملی بپردازد.

حوالی ظهر امروز نیروهای اطلاعاتی با یورش به مغازه بهروز صفری در خیابان فردوسی زنگان، وی را دستگیر می‌کنند. در همین حین دو تن دیگر از فعالان حرکت ملی در زنگان به نام‌های سعید متین پور (روزنامه نگار) و جلیل غنی‌لو نیز دستگیر می‌شوند. این دستگیری‌ها جهت ممانعت از تظاهرات امروز صورت می‌گیرد که هیچ‌گاه نتیجه نداشت.

همچنین چهارهزار نسخه از بیانیه شماره سه جمعیت اسلامی دانشجویان در چاپخانه توقیف می‌شود. قرار بود این بیانیه‌ها در داخل خوابگاه‌ها و دانشکده‌ها و نیز در شهر زنگان توزیع گردد. در این بیانیه با اشاره به خواسته‌های مدنی ملت آذربایجان و اقدامات نابخردانه نیروهای امنیتی در برخورد با آنها و گرامیداشت یاد شهدای قیام‌های اخیر و حمایت کامل از اعتراضات دانشجویی و مردمی خواسته‌های ملت و دانشجویان آذربایجان به صورت کاملا شفاف اعلام شده بود. متن بیانیه شماره سه جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زنگان به شرح زیر است:

«هر کس در دفاع از ناموس و شرف و عزت خویش کشته شود شهید است. امام علی (ع)

انا لله و انا الیه راجعون

در پی توهین و اهانت روزنامه ایران به تورک‌ها، اعتراضات در تمامی دانشگاه‌ها و شهرهای آذربایجان شروع شد. زنگان، تبریز، اورمیه، قزوین، همدان، اردبیل، تهران و... تا اینکه مردم غبور تبریز در روز دوشنبه ۱۵/۳/۱ و به دنبال آن مردم قهرمان اورمیه در روز سه‌شنبه ۱۵/۳/۲ دست به تظاهرات گسترده زدند و با شعارها و سخنان خود خواستار برخورد جدی با عاملان این اقدام شونویستی شدند که این تجمعات با دخالت نابخردانه نیروهای آپارتایدی به خشونت کشیده شد

و گلوله، باتوم‌های الکتریکی و گاز اشک‌آور نوازشگر حق‌طلبان تبریز و اورمیه گشت و تا آنجا پیش رفت که تعدادی از هموطنان عزیزمان زخمی و شهید شدند و خاک آذربایجان دوباره گلگون گشت. آذربایجان باشین ساغ اولسون»

زنگان، قزوین، همدان، تهران، مرند، مراغه، خلخال، خوی، اهر و... نیز در همان روز و روزهای بعد به اعتراضات خود ادامه داده و بر خواسته‌های خود تاکید ورزیدند.

دانشجویان آگاه و ملت فهیم آذربایجان

به راستی این همه توهین و تحقیر برای چیست؟ آیا تنها با توقیف و محاکمه، قضایا مختومه است؟ ریشه این اقدامات در کجاست؟ وقتی ما اجازه نداشته باشیم به زبان خود بنویسیم و بخوانیم، حتی یک کتاب به زبان خویش در مدارس نداشته باشیم، وقتی به یاد نداریم که حتی یک فیلم سینمایی، یک برنامه تلویزیونی به زبان تورکی در شبکه به اصطلاح ملی پخش شده باشد، وقتی در انتخابات مختلف، ملت آذربایجان با وعده و وعیدهای احزاب چپ و راست فقط به ماشین رأی تبدیل می‌شوند، وقتی بیکاری در آذربایجان بیداد می‌کند و... مطمئناً این گونه تفکرات فاشیستی از بین نخواهد رفت و در قالب‌های دیگری خود را نشان خواهد داد، توقیف یک نشریه و محاکمه مسئولان آن به عنوان امری لازم باید اجرا شود ولی کافی نیست. باید با تفکر و تأمل دقیق تمام علل و عوامل توهین‌ها، تحقیرها، عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و مشکلات فراوان ملت آذربایجان را بررسی نموده و خواستار برطرف شدن آنها شویم و اجازه ندهیم اعتراضات و خواسته‌های حقه ما به سود عده‌ای خاص مصادره شود. جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زنگان ضمن اعلام حمایت کامل خود از تمامی اعتراضات، تجمعات و تحصن‌های ملت بزرگ آذربایجان در شهرهای مختلف و دانشجویان دانشگاه‌ها به ویژه قیام ملت قهرمان تبریز و ارومیه، یاد شهدای این واقعه را گرامی داشته و اعلام می‌دارد این حمایت‌ها تا بر آورده‌شدن تمامی مطالبات ملت بزرگ و قهرمانمان ادامه خواهد داشت و معتقدیم آنچه امنیت و تمامیت ارضی یک کشور را تضمین می‌کند قائل شدن حقوق برابر برای تمامی ملت‌های ساکن در آن کشور است. همچنین خواسته‌های ملت آذربایجان را جهت نابودی اقدامات شوونیستی و تفرقه‌افکنانه و قطع دستانی که در جهت ایجاد نفاق در کشور و تخریب ملل ایرانی گام بر می‌دارند به صورت زیر بیان می‌دارد:

۱- عذرخواهی رسمی رئیس‌جمهور از طریق صدا و سیما

۲- حذف کلمه موهوم و اهانت آمیز «آذری» از گفتمان سیاسی و فرهنگی کشور

۳- تدریس زبان و ادب تورکی در مدارس و دانشگاه‌ها و اعلام زبان تورکی به عنوان یکی از زبان‌های

رسمی کشور (با توجه به کثرت جمعیت تورک‌ها در ایران) و تاسیس فرهنگستان زبان و ادب تورکی

۴- تاسیس و راه اندازی شبکه‌های رادیو و تلویزیونی سراسری، خبرگزاری و روزنامه

کثیرالانتشار دولتی به زبان تورکی با توجه به گستردگی این زبان در سطح کشور

۵- اعاده کلیه اسامی تاریخی، به خصوص اعاده نام تاریخی آذربایجان مطابق آخرین تقسیمات

کشوری در دوران مشروطیت به استان‌های اردبیل، زنگان و ... به اماکن جغرافیایی و رفع موانع

موجود در نامگذاری اسامی تورکی برای کودکان و واحدهای اقتصادی و صنفی

۶- ایجاد حزب یا احزاب رسمی در کشور

۷- رفع کلیه اشکال تبعیض اعم از اقتصادی، فرهنگی و ... از کلیه مناطق تورک‌نشین کشور

۸- تمرکز زدایی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از پایتخت و اعطای اختیارات در

اداره داخلی آذربایجان به مسئولین محلی منتخب مردم ضمن اینکه خواستار آزادی بی قید و شرط فعالان هویت طلب تورک به ویژه دانشجویان دربند و افرادی که در جریان اعتراضات اخیر دستگیر شده‌اند می‌باشد.»

مردم زنگان به رغم بازداشت سه تن از فعالین برجسته شهر، از عصر امروز خیابان‌های مرکزی شهر را به تصرف خود درآورده و شعارهای ضد آپارتاید سر می‌دهند. با شروع تجمع در سبزه میدان زنگان، آقایان متین‌پور و غنی‌لو و صفری نیز آزاد شدند. با افزایش جمعیت در سبزه میدان، حاضر به هزاران نفر رسید از میدان خارج شده و شروع به راهپیمایی در خیابان منتهی به میدان انقلاب کردند. راهپیمایان با عبور از میدان انقلاب و سعدی وسط در چهارراه سعدی تجمع کردند و خیابانهای منتهی به آن را بستند. آنها خواهان رسمی شدن زبان تورکی در سراسر ایران و برابری حقوق فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی تورکها در همه جوانب با فارس زبانها شدند. در پایان تجمع یکی از فعالان شهری به ارائه سخنرانی پرداخت که با محکوم کردن سیاست‌ها و اعمال تبعیض‌آمیز حکومت در قبال تورک‌ها خواستار ایجاد برابری بین همگان شد و تدریس به زبان مادری را مهمترین خواسته ملت عنوان کرد. حضور بسیار پررنگ جوانان در این راهپیمایی بسیار جالب بود. امروز نیز دیگر شهرها صحنه اعتراضات گسترده بود که در شدیدترین آن در سولدوز قهرمان (نقده) مردم به خیابان‌ها ریختند و پایه‌های حکومت را به لرزه درآوردند. چنان‌که سرانجام دستور تیراندازی به سوی مردم و جوانان با غیرت سولدوزی صادر می‌شود و خاک آذربایجان با خون تعداد زیادی از دلیران سولدوزی گلگون می‌شود و شمار شهدای قیام ملی و فداییان وطن بالا می‌رود.

در روزهای آتی شهرهای مختلف به جمع معترضان پیوستند حتی در شهرستان کوچک طارم نیز اعتراضاتی صورت پذیرفت. صدها نفر از مردم طارم به خیابان‌ها ریخته و همبستگی خود را با تمام ملت آذربایجان اعلام کردند. مردم این شهر با راهپیمایی در خیابان مرکزی این شهرستان شعارهای «طارمیلار او یاقدی، آذربایجانا دایاقدی، اولوم اولسون شو نویسته، تورک دیلی رسمی اولسون و ...» را سر دادند که این راهپیمایی با حضور نیروهای امنیتی و محاصره مردم توسط آنان پایان یافت. در اردبیل نیز قیام دیگری در روز شنبه روی داد و حماسه‌ای دیگر خلق گردید.

مهمترین اقدام ملت اعلام میتینگ اعتراضی در برابر مجلس در تهران بود که می‌توانست در انتشار اخبار و رویدادهای حرکت آذربایجان به دنیا مهم باشد. از این رو همه دانشجویان و فعالان در تدارک حضوری گسترده و حماسی در تهران بودند. این تجمع در صبح روز یکشنبه ۸۵/۳/۷ ساعت ۱۰ در میدان بهارستان برگزار خواهد شد.

همگان از تمامی شهرها و نیز مردم تورک تهران و شهرهای اطراف نیز جهت حضور اعلام آمادگی کرده بودند. در زنگان نیز اکثر دانشجویان علیرغم قرار داشتن در موعد امتحانات پایان ترم سعی در حضور در تهران داشتند. مردم و فعالان شهری نیز خود را برای حضوری گسترده آماده می‌کردند. سرانجام مردم از شهرهای مختلف راهی تهران شدند و با وجود تدابیر شدید امنیتی در تهران و بستن راههای منتهی به تهران و نیز خیابانهای منتهی به بهارستان و بستن ایستگاه مترو و آنجا، بسیاری از افراد توانستند در برابر مجلس حاضر شده و اقدام به ارائه مطالبات ملی نمایند.

در تهران دستگیری‌های گسترده‌ای روی داد چنانکه برخی از دانشجویان و فعالان شهر زنگان نیز در تهران دستگیر شده و راهی اوین شدند، هر چند که با ادامه اعتراضات در دانشگاه‌ها و شهر برخی دستگیرشدگان طی چند روز آزاد گشتند اما عده‌ای نیز در زندان نگه داشته شدند.

دو سال پس از زلزله

زلزله‌ای مهیب در زیر آب‌های نیلگون و آرام در تاریکی و سکوت فعر دریا به وقوع می‌پیوندد. کل محیط در شعاعی به وسعت چند صد کیلومتر متاثر می‌شود. چرخه طبیعی و اکولوژیک آن به هم می‌ریزد. متخصصان منطقه و امور زیستی عظمت حادثه را دریافته و آن را به سمع و بصر مسئولان امور دریایی و ساحلی و تصمیم گیرندگان می‌رسانند. اما باور به چنین رخدادی در زیر آب‌های آبی و همیشه آرام، بس مشکل و باوراندن آن به ساکنان منطقه که دریای محبوب و عظیمشان را بجز خروش‌های گهگاهی و زودگذر آن بنوعی دیگر نمی‌شناسند، بسی مشکل می‌نماید. کارشناسان امور فنی به تکاپو می‌افتند، جلسات و کمیسیون‌های بی‌پایانی تشکیل می‌دهند اما آن چه به دست نمی‌آید نتیجه است. هشدارها اما ادامه می‌یابد و بحث و گفتگوها بیشتر و پر دامنه‌تر می‌شوند. بخشی از مسئولان از هشدارهای متخصصان سو استفاده کرده و از آن به نفع سیاست‌های روزمره بهره می‌گیرند. اپوزیسیون سرش به امور جهانی مشغول است و بخش متریقی آن در پی یافتن فرمولی جهانی برای حل مشکلات است. بخش فرصت طلب آن که همیشه در پی سو استفاده از فرصت‌هاست پس از مدتی فکر می‌کند چگونه می‌توان از این داد و قال بهره برد. اما جایی را که زلزله‌های زیر آبی ایجاد می‌کنند بنا بر دانش عمومی قابل رویت نیستند و در خیلی از موارد پس از مدتی پیشروی، انرژی خود را از دست داده و از بین می‌روند. اگر زلزله از ریشتر بالای برخوردار بوده و یا زلزله در نزدیکی سواحل رخ داده باشد، در این صورت می‌تواند عواقب غیر قابل پیش‌بینی با خود داشته باشد.

زلزله‌ای که در خرداد ماه دو سال پیش در شمال غرب کشور ایران رخ داده، بنا به ارقام ثبت‌کنندگان دستگاه‌های زلزله بسیار قوی بوده و امواج آن اکنون در حال رسیدن به سواحل هستند. بحث و گفتگوها در مورد چند و چون و قدرت امواج شدت و حدت بیشتری پیدا کرده و آنچه غیرممکن می‌نمود، دارد اولین نشانه‌های ممکن بودنش را نشان می‌دهد. امواج پشت سر هم می‌رسند و چون، زلزله همچنان ادامه دارد بنابه نظر آگاهان تغییر جوی و محیطی غیرقابل پیش‌بینی در انتظار ساکنان سواحل این دریاست. امواج در مقابل چشمان ناباور ساحلیان بر سواحل می‌کوبند و پیش می‌آیند. همه از هم می‌پرسند آخر چگونه چنین چیزی ممکن است. نکند بمبی زیر آب منفجر کرده‌اند. نکند توطئه‌ای در کار است. نکند دارند تکنیک تازه‌ای را آزمایش می‌کنند. امواج اما هم چنان می‌رسند و می‌کوبند و دو سال پس از اولین زلزله که خیلی‌ها آن را شوخی طبیعت می‌پنداشتند دارد خواب از چشمان خیلی‌ها می‌پرد.

شهرهای آذربایجان در خرداد ماه سال ۸۵ شمسی شاهد بزرگترین خیزش خودجوش مردمی پس از سال‌های اول انقلاب بهمین ۵۷ در ایران بود. در زنگان، تبریز، اورمیه، سولدوز، اردبیل، قوشاچای، مرند و دیگر شهرهای شمال غرب مردم به خیابان‌ها آمدند، اعتراض کردند، فریاد برآوردند، بر علیه ظلم و ستم دوگانه و چندگانه که سالیان درازی است بر آن‌ها روا می‌رود خروشیدند. چنین قیامی توده‌ای به راستی پس از تثبیت رژیم جمهوری اسلامی تا به امروز یگانه و بی‌نظیر بوده است. جرقه این حرکت، کاریکاتوری از مانا نیستانی در روزنامه حکومتی «ایران» بود که در آن سوسکی از کلمه تورکی «نمنه» استفاده کرده بود. اعتراضات از دانشگاه‌ها شروع شده و به سرعت به خیابان‌ها کشیده شد. در یک عقب‌نشینی تاکتیکی دولت روزنامه «ایران» را برای مدتی تعطیل کرد، مسئول روزنامه و کاریکاتوربست چند هفته‌ای را پشت میله‌های زندان گذراندند،

تعدادی از تظاهرکنندگان با ضربات گلوله‌های نیروهای انتظامی جان باختند، بسیاری دستگیر و روانه زندان‌ها شدند و برخی از آن‌ها همچون **عباس لسانی** هنوز هم در زندان به سر می‌برند. نویسندگان و روشنفکران تورک از همان ابتدا بر این امر تاکید داشتند که آن کاریکاتور آماج خروش توده‌ای نبوده، بلکه علت وقوع این تظاهرات ریشه در مسائلی دارد که سالیان درازی است لاینحل باقی مانده‌اند و موضوع زبان تورکی و ممنوعیت تدریس آن در طول هشتاد و اندی سال اخیر تنها یکی از آنهاست. دو سال پس از آن وقایع به عنوان نمونه به دیدگاه‌هایی که در آن روزها بیان شده اند نگاهی می‌اندازیم و قضاوت در مورد صحت و سقم آن‌ها را بر عهده خوانندگان می‌گذاریم:

رضا براهنی در آن روزها در مقاله‌ای با عنوان «صورت مسئله آذربایجان؟ حل مسئله آذربایجان؟» چنین می‌نویسد:

«مسئله این است: آذربایجانی باید حق نوشتن، خواندن، تحصیل و تدریس به زبان مادری خود را داشته باشد. آذربایجان نیز حق دارد هویت خود را داشته باشد. آذربایجانی باید مدیریت منطقه خود را به درایت خود، به زبان خود داشته باشد. در غیر این صورت آذربایجانی هم میهن شما نیست. مستعمره مناطق فارسی زبان است. مستعمره اصفهان و شیراز و نیمه فارس تهران است. این یک مبارزه است، یک مبارزه. آذربایجانی می‌گوید فرهنگ را از سلطه مطلق صاحبان یک زبان دریاورید. ما تساوی فرهنگی، زبانی و اداری می‌خواهیم.

فقط دریغ کردن این تساوی از مردم آذربایجان است که آن‌ها را در هر لحظه‌ای که فرصت به دست بیاید نسبت به زورگویان عاصی خواهد کرد. تنها تساوی حقوق دمکراتیک بین همه ملت‌ها و اقوام کشور است که ضامن بقای کشوری به نام ایران است. شما می‌توانید ایران را از دست بدهید، یا ایران را مجموع آدم‌هایی که در ایران، در خانه خود زندگی می‌کنند، و از حقوق مساوی برخوردارند تا پایان تاریخ داشته باشید.»

استاندار آذربایجان شرقی در نیمه خرداد ۸۵ در مورد علت این ناآرامی‌ها چنین نظر می‌دهد: «ریشه ناآرامی‌های اخیر تبریز را باید در استکبار جهانی به سرکردگی آمریکای جنایتکار(!؟) جستجو کرد. محمد معمارزاده در گفت و گو با ایرنا تاکید کرد: دشمن امروز با طرح مسایل اختلاف برانگیز در بین قومیت‌ها به جنگ نظام جمهوری اسلامی آمده و درصدد اغتشاش در کشور است... من نمی‌پذیریم موضوع قوم و قومگرایی می‌تواند در قطعه‌ای از سرزمین مقدس اسلامی معنا و مفهومی داشته باشد.»

مزدک بامدادان مواضع خود را در روزهای قبل از تظاهرات خرداد ۸۵ و در حین آن به روشنی در مقابل خواسته‌های ملت تورک در ایران به رشته قلم در آورده بود. ایشان کسانی را که از «تورکها» صحبت می‌کنند نژادپرست می‌داند. اتهامات «نژادپرستی» و «قبیله گرایی» و امثالهم را مثل نقل و نبات در نوشته‌هایش بکار می‌گیرد. مثلاً می‌نویسد:

«...هر انسان خردمندی، که اندکی نیز از میهن‌دوستی و مردم‌گرایی بهره‌مند باشد، از خود خواهد پرسید، دین‌فروشان چرا در چنین روزهایی که بر سر این آب و خاک «ز منجنیق فلک تیر فتنه می‌بارد»، در روزهایی که هم آمریکا و هم اسرائیل به هزار زبان و به روشنی و آشکار و بدون پرده‌پوشی فریاد می‌زنند که برای به زانو درآوردن ایران در آتش کینه‌های قومی خواهند دمید و در جایی که مایکل لدین یک روز نشستی درباره فدرالیسم در ایران برگزار می‌کند و روز دیگر

با بکارگیری واژه‌هایی که ویژه نژادپرستان جدائی‌خواه درون و بیرون ایران است می‌گوید «ایران فارسستان نیست» باز هم دیوانه دیگری روانه میدان می‌شود تا سنگ بی‌خردی خود و سردمداران جمهوری اسلامی را در چاه ژرف چالش‌های گریبانگیر مردم این سرزمین غم‌زده بیفکند تا اکنون هزارن خردمند و فرزانه در بیرون آوردن آن درمانده شوند؟... نژادپرستانی که چهره زشت خود را پشت واژه «هویت طلب» پنهان می‌کنند با همه نیرو به میدان آمده‌اند تا از این آب گل‌آلود ماهی خود را بگیرند.»

حقیقت غیرقابل انکار آن است که حرکت تورک‌ها عمیقاً مردمی، آزادخواهانه و دمکراتیک است. قیام و حرکت آزادخواهانه تورک‌ها نقطه پایانی بر عدم تحرک و استیصال در مقابل جمهوری اسلامی گذاشته و فصل تازه‌ای را در مبارزات مردمی بر علیه استبداد گشوده است.

بیش از هشتاد سال از ممنوعیت زبان تورکی و انکار هویت تورکی در ایران و انواع و اقسام ستم‌ها و تبعیضات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌گذرد. از دو سال پیش به این طرف احقاق حقوق ملت‌های تحت ستم کشور به طور جدی وارد مباحث سیاسی شده‌است.

حق تعیین سرنوشت به مثابه حق طبیعی و به رسمیت شناخته شده هر ملتی، بطور جدی وارد ادبیات سیاسی فعالان تورک گردیده و نادیده‌گرفتن این حق در آینده از سوی هر کس و یا هر گروهی هم که باشد، نادیده‌گرفتن فریادهای برابری‌طلبی و عدالتخواهانه تورک‌ها خواهد بود.

با تاسف بسیار چنین نهضت عظیمی از سوی گروه‌های مخالف حاکمیت که از طریق واژه‌هایی چون منفعل و فاقد ساختارهای نظری و فکری منسجم و فاقد پشتوانه مردمی قابل وصف است، مورد بی‌مهری قرار گرفته و با سکوت غیرقابل وصفی از سوی بسیاری از نویسندگان و هنرمندان و روشنفکران فارس‌زبان مواجه گشته است. فعالان سلطنت‌طلب با بی‌پروایی تمام و با دروغ‌گویی‌های آشکار، سعی در قوت بخشیدن به ناآگاهی عمومی و سو استفاده از آن بر علیه جنبش ملی تورک‌ها را دارند. تمامیت ارضی به شمشیر دولبه تبدیل گشته، بر فراز سر مبارزان سیاسی به پرواز در آمده و همگان را وادار به خود سانسوری می‌کند.

اما با این اوصاف حرکت تورک‌ها به موتور پرقدرتی برای تغییرات بالقوه در ایران مبدل شده است و پتانسیل آن را دارد که با حمایت بیشتر اولین زمینه‌های ایجاد دمکراسی مردمی را برای آذربایجانی‌ها بوجود بیاورد.

آذربایجان همان چیزی را می‌خواهد که همیشه خواسته است. حقوق دمکراتیک، آزادی تحصیل از کودکستان تا دانشگاه به زبان مادری. به رسمیت شناخته شدن زبان تورکی در هر جایی در ایران که در آن تورکان ایران زندگی می‌کنند، تامین بودجه معوقه و بودجه مناسب برای تامین کمبودها، واگذاری اداره مسائل داخلی آذربایجان - همه نقاط آذربایجان طبق مستندات تاریخی، و نه طبق تقسیمات من درآوردی تاریخی اخیر- به خود مردم آذربایجان. اینها چیزهایی‌ست که همه آذربایجانی‌ها خواسته‌اند. اما کسانی که از دور دستی بر آتش دارند، نمی‌توانند برای آذربایجان تعیین تکلیف کنند. مدرنیته را از طریق ترجمه کتاب نمی‌توان پیاده کرد. مدرنیته، یعنی ارتباط مدرن به صورت جدید در همه واحدهای کارآ و معاصر، آزادی رهبران آذربایجان و نشستن با آنان برای تامین حقوق اجتماعی و تاریخی آذربایجان، تامین و اعتلای اقتصاد آذربایجان. خلاصه سپردن اداره داخلی آذربایجان به دست خود آذربایجان و در یک کلام حق تعیین سرنوشت.

اويان، اويان، آذربايجان!

اسماعيل جميلي

قالخ آياغا گؤستر يئنه قدرتيني آذربايجان،
آلكيشلاسين قوجا تاريخ غيرتيني آذربايجان،
ال بير اولوب ايبيدلرين باغيرمالي بسدير تالان،
سؤز بير اولوب آيدينلارين سؤيله مه لي يئتر يالان،
وارليغيني يوخ سايانلار اهانتي ائدير عيان،
چيرما قولون ساخلا اوزون حؤرمتيني آذربايجان،
قالخ آياغا گؤستر يئنه قدرتيني آذربايجان!
سن اوز گه دن اوموب كوسمه، سن سن اولسان سنه يئتر،
اوغانلارين قوخماز ستار، هر بير فيزين قوچاق هجر،
حق سنله دير، حقين گوجو ظاليملري كسر بيچر،
حق يولوندا حقه تاپشير ميلتيني آذربايجان،
قالخ آياغا گؤستر يئنه قدرتيني آذربايجان!
ساتقين يوباز قوللوقچولار وارليغيني سايا سالماز،
ائولاديني انسان بيلمز، بيلسه ديلين باغلي قالماز،
گوندن گونه ياد الينده جئت يوردون تالان اولماز،
قير زنجيري آزاد ائله توپراغيني آذربايجان،
قالخ آياغا گؤستر يئنه قدرتيني آذربايجان!
سن دؤزدوكجه ديلي اوزون ياد اوزله نير لاپ قودورور،
گؤز اؤنونه حقلريني بير بير دانير، قارشى دورور،
دوز سؤزونو بوغازيندا بوغور، حقى ترسه يورور،
گير ميدانا، گئرى قايتار عزتيني آذربايجان،
قالخ آياغا گؤستر يئنه قدرتيني آذربايجان!
اؤز دردنين چاره سين قيل اؤز غمينين دردينه يان،
بسدير اؤزگه اوجاغيندا يانيب كول اولدوغون اويان،
آپارتايدين بيخ زيندانين، آزاد ائللر وئرسين فرمان،
دينله دهه قورقودونون صؤحبتيني آذربايجان،
قالخ آياغا گؤستر يئنه قدرتيني آذربايجان!
ديلى باغلى، قولو باغلى، تورك ائلمين اوجاغيسان،
گله جه بين دوغرو يولو، آيدينليغين چيراغيسان،
بابكلرين دؤيوشدويو، قورتولوشون بايراغيسان،
اؤزون قورو ميلتيني دولتيني آذربايجان،
قالخ آياغا گؤستر يئنه قدرتيني آذربايجان!



گۆز یاشیئینا باخان اولسا قان آخماز

اوستاد شهریار